

اعلامیه مطبوعاتی

انتخابات فلسطین و استحقاق ادعایی؛ سرابی که تشنه آن را آب می‌پندارد!

(ترجمه)

تشکیلات خودگردان فلسطین تصمیم برگزاری انتخابات پارلمانی را در ماه نوامبر آینده اعلام کرده است. قرار است انتخابات ریاستی نیز در آغاز سال آینده برگزار شود. شایان ذکر است که این نخستین بار نیست که تشکیلات خودگردان، برگزاری انتخابات را اعلام کرده، مردم را با آن سرگرم می‌سازد و سپس آن را لغو می‌کند؛ زیرا تصمیم برگزاری انتخابات در اختیار آن نیست، بلکه در دست امریکا و رژیم یهودین است و بدون موافقت و نظارت آن‌ها، انتخاباتی برگزار نخواهد شد؛ چنان‌که در انتخابات شوراهای محلی «شهرداری‌ها» نیز چنین اتفاقی افتاد.

شگفت‌آور این است که تشکیلات خودگردان، انتخابات را به‌گونه‌ای جلوه می‌دهد که گویا این امر یک استحقاق است و برای مردم فلسطین دستاوردی به همراه خواهد داشت؛ در حالی که این چیزی جز سرابی نیست که تشنه آن را آب می‌پندارد. حقیقت روشن این است که چهره سیاه تشکیلات خودگردان فلسطین را برگه‌های صندوق رأی که تحت نظارت امریکا برگزار شود، سفید نخواهد کرد.

انتخاباتی که تشکیلات خودگردان اعلام کرده، چنان‌که ادعا می‌کند یک «استحقاق ملی دموکراتیک» نیست و از آن بسیار فاصله دارد. این تشکیلات بر اساس مصالح مردم فلسطین حرکت نمی‌کند؛ همان تشکیلاتی است که آنان و قضیه‌شان را ضایع کرده، بر رنج و دشواری زندگی‌شان افزوده و آنان را به مسیرهای فقر و تنگدستی کشانده است.

این انتخابات، اگر برگزار شود و به انجام برسد، چیزی جز یک استحقاق برای اجرای خواسته‌های «اصلاحات» تحمیل‌شده بر تشکیلات خودگردان نیست. کشورهای اروپایی از آن خواسته‌اند که در عرصه‌های مختلف، از جمله «اصلاحات سیاسی»، اصلاحاتی را انجام دهد؛ به‌ویژه پس از آن‌که خود گردانندگان و حامیان به فساد آن اشاره کردند. از جمله این اصلاحات، برگزاری انتخابات است. همچنان طرح بیست‌ماده‌ای ترامپ نیز «اصلاحات» را شرط قرار داده و بیان کرده بود که ممکن است سرانجام زمینه برای یک مسیر معتبر جهت تعیین سرنوشت فلسطینیان فراهم شود؛ «زمانی که برنامه اصلاحات تشکیلات خودگردان فلسطین با صداقت اجرا گردد». اما برای خود تشکیلات، این انتخابات فرصتی است تا «مشروعیت» فرسوده‌ای را که فساد آن را از بین برده و در میان مردم به حد نفرت رسیده است، دوباره احیا کند و اعتماد و حمایت گردانندگان خارجی خود را تجدید نماید.

این انتخابات برای ایجاد تغییر، آن‌گونه که ادعا می‌کنند، طراحی نشده است؛ بلکه هدف آن این است که تشکیلات خودگردان، دیگران را نیز با خود شریک سازد تا مردم فلسطین و گروه‌های فلسطینی را به نام انتخابات وارد همان سوراخی کند که خود در توافقنامه اسلو و پیامدهای فاسد آن داخل شد. آنان را شریک شکست‌های تکرارشونده و خیانت‌هایی سازد که ممکن است به نام این روند به اجرا گذاشته شود و زمینه را برای هر مرحله‌ای آماده کند که نیازمند امتیازدهی و سقوط بیشتر باشد.

به‌ویژه آن‌که تشکیلات در قانون انتخاباتی پیشین خود، اعتراف به توافقنامه‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین و پایبندی به تعهدات آن را شرط نامزدی قرار داده بود؛ یعنی از نامزدان می‌خواهد همان راه سازش، خیانت، عقب‌نشینی و شکست را بپذیرند؛ راهی که خود پیموده و مردم فلسطین تلخی آن را چشیده‌اند و قضیه فلسطین در زیر بار آن ضایع شده است. روشن است که در این کار، گناه بزرگی نزد الله سبحانه و تعالی وجود دارد و مشارکت در آن جرم محسوب می‌شود؛ چه از طریق نامزدی و چه از طریق رأی دادن.

اما در میدان واقعیت، تشکیلات خودگردان «نهاد قانون‌گذاری» خود را بر کدام سرزمین و برای کدام مردم ایجاد خواهد کرد؟ بر کدام سرزمین، در حالی که آن سرزمین توسط شهرک‌سازی‌ها و بولدوزهای رژیم یهودی بلعیده شده است؟ بر کدام مردم، در حالی که آنان زیر فشار کشتارها خرد می‌شوند، گرسنگی آنان را تعقیب می‌کند و طرح‌های کوچاندن آنان ادامه دارد؟

تشکیلاتی که حتی حقوق کارمندان خود را تأمین نمی‌کند؛ در سایه سیاستی برنامه‌ریزی‌شده برای نابودی نهادهای آموزشی و صحتی، بلکه حتی از کمک به خانه‌ای که شهرک‌نشینان آن را محاصره کرده‌اند یا باز کردن راهی که یکی از گروه‌های شهرک‌نشین با سنگ‌ها بسته است، عاجز است؛ تشکیلاتی که حتی بر شیر آب نیز حاکمیت ندارد! پس این چه حاکمیت، اراده و انتخاباتی است که قرار است زیر چکمه‌های اشغال‌گران و در سایه تفنگ‌های آنان برگزار شود؟!

خلاصه سخن این است که مردم فلسطین باید از مشارکت در این انتخابات، چه به صورت فردی و چه گروهی، چه در نامزدی و چه در رأی دادن، برحذر باشند؛ انتخاباتی که هرگونه آن را بررسی کنند، شر را در اطراف آن خواهند یافت. نخستین شر آن، به رسمیت شناختن جرم واگذاری بخشی از فلسطین و مشارکت ضمنی در خیانت بزرگی است که سازمان آزادی بخش فلسطین مرتکب شده است. دومین شر آن، جدا ساختن قضیه فلسطین از بُعد عقیدتی اسلامی آن است. و سومین شر - که آخرین آن نیست - حرکت در مسیر برنامه های کسانی است که مردم غزه را قتل عام کردند، علیه آنان همکاری نمودند، هنوز آنان را محاصره کرده اند، سلاح شان را می گیرند و آنان را به یهود تسلیم می کنند؛ آن هم با نام «شورای صلح».

موضوع فزاتر از یک بازی و سرگرمی است؛ بلکه جرمی است که برای صاحب آن چیزی جز گناه و ننگ به همراه ندارد. از آن در دنیا جز خواری و پشیمانی و در آخرت جز زیان چیزی حاصل نخواهد شد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - فلسطین